

ای بدتر از داعشی، اسید به ما می پاشی !

"آن کس که سخن ز مهر می گفت و امید

آورد برای خلق یک دسته کلید

افسوس که آن کلید قفلی نگشود

جز قفل درِ بزرگ انبار اسید"

این شعر گویای آگاهی مردم نسبت به عوام فریبی های روحانی و کل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است که پس از اسیدپاشی های فاجعه بار مزدوران رژیم در اصفهان و تهران ، سروده شده و حال بر زبان بسیاری از مردم ایران جاریست.

مجروح و کشته شدن چندین زن بی گناه که در چند هفته گذشته قربانی اسیدپاشی های زنجیره ای در اصفهان شدند، باز هم زخم جدیدی بر پیکر جامعه رنجدیده ایران گذاشت و خشم و نفرت مردم آگاه ایران علیه رژیم پست فطرت جمهوری اسلامی را صد چندان کرد. یکی از اسیدپاشی های زنجیره ای در روز یکشنبه ۲۷ مهرماه در اصفهان رخ داد که در آن سه دختر مورد حمله موتور سواران اسیدپاش قرار گرفتند و یکی از آن ها به خاطر پاشیده شدن اسید به قفسه سینه اش ، در همان خیابان جان باخت و دو نفر دیگر راهی بیمارستان شدند.

مردم ایران و به خصوص مردم مبارز اصفهان نه فقط به خاطر شناخت از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بلکه با توجه به تلاشی که ، پیش از این اسید پاشی ها ، در مجلس صورت می گرفت تا تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر، حمله لباس شخصی های وزارت اطلاعات (با نام های بسیج و انصار حزب الله و غیره) به مردم و به خصوص زنان صورت قانونی به خود بگیرد، و هم چنین سخنان امام جمعه این شهر که در همین رابطه گفته بود "در مورد حجاب باید از تذکر لسانی فراتر رفت" و استفاده از "چوب تر" و "قوه قهریه" را مجاز اعلام کرده بود، به خوبی می دانند که اسید پاشی از سوی چه نیرو هائی حمایت و هدایت می شود و به همین دلیل هم هست که این روز ها مردم وقتی که در این باره صحبت می کنند خیلی روشن می گویند: "کار خودشان است".

مردم به درستی انصار حزب الله و بسیج و دیگر افراد وابسته به رژیم را عاملان این جنایات می دانند. برای آن ها بی تفاوتی و واکنش های برخی از مقامات دولتی و عدم تلاش جدی نیروهای انتظامی برای شناسایی و دستگیری جنایتکاران، و از طرف دیگر دادن اطلاعات ضد و نقیض به مردم ، نشان دهنده دست داشتن مامورین رژیم در این جنایات است. به عنوان مثال، بر اساس گزارش شاهدان عینی در تصادف یک خودرو با موتور سواری در خیابان مهرداد که چهارمین اسیدپاشی اتفاق افتاد، مردم چند نفر را با بطری های اسید پیدا کردند و در جریان درگیری ای که بین مردم و این حاملین اسید رخ داد ، موتور سواران به کلاتری محل منتقل شدند. با این حال مقامات دست اندرکار رژیم هنوز از عدم دستگیری اسید پاشان سخن می گویند و توضیح نمی دهند که چرا از همین چند نفری که توسط مردم به کلاتری تحویل داده شده خبری در دسترس نیست. مامورین دولت از حضور خبرنگاران در بیمارستان ها نیز خودداری می کنند که خود نشانه ترس شان از انعکاس درست حوادث اتفاق افتاده در میان مردم می باشد. هم چنین مردم می گویند که

چطور نیروی انتظامی با دوربین‌هایی که در نقاط مختلف شهر نصب کرده، همیشه از هر اتفاقی مطلع و هر کسی را که بخواهد دستگیر می‌کند ولی حالا قادر به شناسائی عاملین اسیدپاشی نمی‌باشد!

از مدت‌ها پیش از طرف خُرافه‌پخش‌کن‌های رژیم مطرح می‌شد که "تنها راه نجات زاینده رود از خشک شدن، جلوگیری از بدحجابی است". این گفتارهای زن‌ستیز، با این حرف در واقعیت امر بی‌کفایتی خود، و نابود کردن محیط زیست جامعه را هم می‌خواهند بر سر زنان ایران خراب کنند و با بیان چنین مزخرفاتی زنان جامعه را مسئول نابودی منابع طبیعی کشور جلوه می‌دهند. این جانیان زن‌ستیز که بزرگترین دستاوردشان ترویج فرهنگ فساد و هرزه‌گی در جامعه بوده، اساساً پابندی به اخلاق و فرهنگ انسانی جایی در وجود کثیف‌شان ندارد که امروز زنان ایران را به بالا بردن چوب‌تر تهدید می‌کنند. آن‌ها فاسدترین و کثیف‌ترین عناصر جامعه را تشکیل می‌دهند. گاهی نیز عکس‌های "بی‌حجاب" آقازاده‌های فاسدشان در خارج از کشور در مجالس عیش و نوش در اینترنت منتشر می‌شود که به نوبه خود گویای ریاکاری عمال رژیم می‌باشد. بنابراین اگر ما می‌بینیم که سردمداران کثیف جمهوری اسلامی که در عمل خون‌مردم شریف و پاک و زحمتکش را ضمن متهم کردن بی‌جا و ناحق آن‌ها به بی‌اخلاقی، توی شیشه کرده‌اند، این دلیل دیگری دارد. آن‌ها به این وسیله در تلاش‌اند تا ایجاد فضای اختناق و سرکوب وحشیانه جامعه را تحت عنوان مبارزه با بدحجابی توجیه نمایند تا مردم تصور کنند که علت سرکوب‌ها و سیطره اختناق در جامعه اعتقاد آن‌ها به حجاب و پوشش زن است. به این منظور نیز فضای فرهنگی و قانونی هر چه بازتری برای آخوندهای ریز و درشت خود ایجاد کرده‌اند.

اما، هدف اصلی جمهوری اسلامی از ترغیب و تشویق مزدورانش به دست زدن به جنایت اسیدپاشی، ایجاد جو ترس و وحشت هر چه بیشتر در جامعه و جلوگیری از برافروخته شدن آتش خشم فروخورده توده‌های تحت ستم ایران است. مردم آگاه ایران می‌دانند که جمهوری اسلامی از ابتدای به قدرت رسیدن خود تا کنون، به هزاران جنایت وحشیانه دست زده تا به خیال خود با ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه از برافروخته شدن آتش مهیب خشم انقلابی توده‌ها جلوگیری کند. از این رو نه اسیدپاشی کنونی و نه دیگر اقدامات جنایتکارانه‌ای که این رژیم در طی سی و پنج سال حاکمیت خود علیه مردم ما انجام داده و می‌دهد تازگی ندارد و اساساً اعمال جنایت و ظلم و ستم به توده‌ها، در ذات این رژیم وابسته به امپریالیسم و حامی سرمایه‌داران زالو صفت ایران نهفته است. اما این که چرا امروز به فکر باز هم شدیدتر کردن سرکوب و باز هم هر چه بیشتر مختنق کردن جامعه افتاده به این دلیل است که این رژیم حامی و مدافع منافع سرمایه‌داران به خوبی می‌داند که در شرایط کنونی زندگی ۹۹ درصدی‌های جامعه ایران بیشتر از همیشه وخیم‌تر گشته است، به حدی که جامعه هیچ‌گاه تا به این حد غرق در فقر، بیکاری، گرانی، گرسنگی، بی‌خانمانی، اعتیاد، فحشاء، و صدها رنج و بدبختی دیگر قرار نداشته است. این رژیم از شدت خشم و نفرت توده‌ها نسبت به خود آگاه است و می‌داند مردمانی که در آتش ظلم و ستم امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی می‌سوزند به واقع آتش زیر خاکستر هستند که هر لحظه می‌تواند با قدرت زیادی شعله‌ور شده و این رژیم و سیستم پوسیده آن را از بیخ و بن نابود کند. از این روست که جمهوری اسلامی که جز با سرکوب وحشیانه قادر به کنترل توده‌ها نیست، امروز به جنایاتی دست زده و می‌زند که هیتلر و دیگر دیکتاتورهای تاریخ را روسفید کرده است.

اسیدپاشی به روی زنان جهت ایجاد رعب و وحشت در میان توده‌ها و خانه‌نشین کردن نیمی از آحاد جامعه، جنایت فاجعه‌بار جدیدی است که این رژیم پست و جنایتکار امروز به آن روی آورده است. این اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای چنان فضای خشم و نفرتی علیه دولت و رژیم در شهرهایی مثل تهران و

اصفهان ایجاد کرده که زنان و مردان آگاه ایران در چند روز اخیر تجمع های اعتراضی متعددی در شهرهای تهران و اصفهان برگزار کردند (که "معصومه عطایی" و "رعنا" از قربانیان اسیدپاشی های قبلی نیز در این تظاهرات شرکت داشته اند) و نفرت خود را علیه دولت و اسیدپاشی های "آمران به معروف و ناهیان از منکر" را با شعارهای خشم آلود خود فریاد زدند. به عنوان مثال تظاهرات روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه به رغم تمهیدات امنیتی شدید رژیم و محاصره تظاهرکنندگان در خیابان، در شهر اصفهان در مقابل دادگستری و در تهران در مقابل مجلس، با شرکت تعداد زیادی از اقشار آگاه جامعه برگزار شد. شاهدان عینی به خبرگزاری ها گزارش داده اند که نیروهای انتظامی با گاز اشک آور و باتوم به ضرب و شتم تجمع کنندگان پرداخته و از پیوستن عابری به تظاهرکنندگان جلوگیری می کرده اند.

بسیاری از شعارهای تظاهرکنندگان نشانه آگاهی و شهامت توده های مردم و بیانگر پتانسیل انقلابی موجود در بطن این جامعه شدیداً سرکوب شده می باشند. به عنوان مثال می توان به شعارهای زیر اشاره کرد که نشان دهنده فضای نفرت شدید و بی اعتمادی مطلق مردم به رژیم هستند: "ای بدتر از داعشی، اسید به ما می پاشی؟!"; "قوانین ضد زن ملغی باید گردد"; "اسیدپاشی قطع نشه، ایران قیامت میشه!"; "حجاب به زور نمیشه، ایران عراق نمیشه!"; "لایحه امر به معروف نمی خوایم!"; "اسیدپاش مزدوره، امنیت از ما دوره!"; "ای دختر ایرانی حمایت میکنیم!"; "امنیت، آزادی، حق زن ایرانی".

برگزاری تظاهرات مردم خشمگین در اصفهان و تهران باعث احساس خطر در میان سردمداران رژیم شده و تضادهای درونی آن ها را شدت بخشیده است. به طوری که امام جمعه مرتجع و جنایتکار اصفهان مجبور شد در جلوی دوربین قرار گرفته و با بیشرمی تمام، سخنان قبلی خود را تکذیب کند. هم چنین رژیم که از طریق دست اندرکاران خود نتوانست مردم را فریب داده و به آن ها بیاوراند که گویا رژیم در کار جنایتکارانه اسید پاشی نقش نداشته است، حال به اصطلاح روان شناسان و جامعه شناسان توجیه گر نظام حاکم متوسل شده و از زبان آن ها این طور القاء می کند که گویا مردانی به خاطر قدرت نمائی به زن ها آب می پاشند. با این القائات، آن ها می کوشند تا مردم قانع شوند که اسید پاشی هم کار مردان قدرت طلب بوده و دست رژیم جمهوری اسلامی در این کار نبوده است.

تاریخ مبارزات انقلابی توده ها علیه دیکتاتورها و ستمگران در جوامع طبقاتی گواه است که هیچ کدام از این ترفندهای مذبوحانه جمهوری اسلامی، منجر به جلوگیری از رشد پتانسیل ناآرامی های اجتماعی و مبارزات قهرآمیز علیه رژیم نخواهند شد، و این ترفندها صرفاً می توانند، نهایتاً به خریدن فرصت های کوتاهی برای رژیم منجر شوند.

در روزهای اخیر اشعار و کارهای هنری مبتکرانه ای در رابطه با جنایت اخیر رژیم در جامعه پخش شده که شعر زیر که نشان دهنده غم و اندوه مردم و حمایت آن ها از قربانیان این جنایت است از زمره آن هاست:

"در باورشان خدا تراشی کردند

آرامش مان را متلاشی کردند

زیبایی ما برای شان سنگین بود

بر صورتمان اسیدپاشی کردند"

بدون شک دور نیست روزی که مردم ستمدیده، بساط داعشیان حاکم بر جامعه ایران را در آتش انقلاب بسوزانند.

با امید به آن روز.

دوم آبان 1393 – 24 اکتبر 2014